



۱. گزینه ۴ عبارت «لا اله الا الله» به ترتیب مرکب از یک «نفی» معبود، مانند بت‌های ساختگی و طاغوت‌ها و دیگری «اثبات» خدا به عنوان تنها کسی که سزاوار پرستش و اطاعت است، می‌باشد؛ از این رو پیامبر (ص) فرمود: «نه من و نه گویندگان قبل از من کلمه‌ای پرمحتوا همانند «لا اله الا الله» نگفته‌ایم.»
۲. گزینه ۱ ریشه‌ی شرک در دنیای جدید آن است که برخی انسان‌ها درعین قبول داشتن خداوند، دین و دستورات آن را در متن زندگی خود وارد نمی‌کنند. (شرک عبادی) آیه‌ی شریفه‌ی «الم اعهد اليکم يا بنی آدم ان لا تعبدوا الشیطان...» به نفی شرک عبادی و اجتناب از پرستش شیطان اشاره دارد.
۳. گزینه ۳ معرفت به خداوند زمانی میوه‌ی خود را می‌دهد که از مرحله‌ی شناخت ذهنی به مرحله‌ی ایمان قلبی برسد و در قلب تثبیت شود. چرخ خلقت با تدبیر خداوند (توحید در ربوبیت) می‌گردد.
۴. گزینه ۱ «ظهور گرایش‌های برتر هم چون حقیقت‌طلبی، عدالت‌خواهی و نوع دوستی در رفتار موحدان» بیانگر تحقق توحید عبادی در بُعد فردی است.
۵. گزینه ۳ با توجه به حدیث سلسله‌الذهب در امان بودن از عذاب الهی «امن من عذابی»، نتیجه‌ی ورود به دژ مستحکم خداوند یعنی عبارت «لا اله الا الله» است، و این عبارت جامعه‌ی همه‌ی ابعاد توحید و بیانگر توحید در عقیده و عمل می‌باشد. با توجه به آیه‌ی «... کذلک لنصرف عنه السوء و الفحشاء...»، دور ماندن از سوء و فحشاء نتیجه‌ی اخلاص در بندگی یا توحید عبادی می‌باشد. با دقت در آیه‌ی «و من یسلم وجهه...» تمسک به ریسمان محکم الهی نتیجه‌ی تسلیم امر خدا بودن و انجام عمل صالح و مبتین توحید عملی است.
۶. گزینه ۴ براساس حدیث سلسله‌الذهب: «کلمة لا اله الا الله حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی»، در امان ماندن از عذاب الهی برای جامعه‌ی اسلامی زمانی صورت می‌پذیرد که توحید عبادی در بُعد اجتماعی در جامعه محقق شود. که این امر با قرار گرفتن در دژ مستحکم خدا میسر می‌شود.
۷. گزینه ۱ در عبارت شریفه‌ی «و قال الملاء من قومه الذین کفروا...» به بهره‌مندان از نعمت‌های ناپایدار دنیوی که بی‌بهره‌گان و بی‌نصیبان از توحید و منکران معاد و نبوت هستند (ملاً- اشراف قوم یکی از پیامبران الهی) اشاره شده است. (بخش اندیشه و تحقیق)
۸. گزینه ۱ با توجه به عبارت «فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون» عدم ترس از عاقبت زندگی نتیجه می‌شود و با توجه به عبارت «کان سعیمهم مشکورا» زندگی ثمربخش نتیجه می‌شود.
۹. گزینه ۴ عبارت‌های «الدار الآخرة»، «الثشاء الآخرة» و «اراد الآخرة»، درباره‌ی آفرینش آخرت سخن گفته است.
۱۰. گزینه ۱ زندگی دنیا بدون توجه به آخرت لهُو و لعب است. مردم اگر می‌دانستند «لو کانوا یعلمون» به آخرت توجه می‌کردند.
۱۱. گزینه ۱ آیه‌ی شریفه‌ی «و قال الملاء من قومه الذین کفروا...» از زبان اشراف قوم یکی از پیامبران است که به دلیل نگرش و رویکرد مادی نسبت به مرگ و زندگی به نفی آخرت و عدم تبعیت از پیامبرشان (ولایت‌ناپذیری - لئن اطعتم) می‌پردازند.
۱۲. گزینه ۱ از پیامدهای مهم نگرش به مرگ به عنوان پایان زندگی (دیدگاه اول) این است که برای انسانی که گرایش به جاودانگی دارد (علت)، به همین زندگی چند روزه نیز برایش بی‌ارزش می‌شود، شادابی و نشاط زندگی را از دست می‌دهد (معلول)، از دیگران کناره می‌گیرد (معلول) و...
۱۳. گزینه ۲ «الله الذین ارسل الریاح...» ← امکان معاد در پرتو نظام مرگ و زندگی در طبیعت «ایحسب الانسان...» ← امکان معاد جسمانی در آخرت
۱۴. گزینه ۲ آیه‌ی شریفه‌ی و ضرب لنا مثلاً... اشاره به امکان معاد جسمانی، یعنی آفرینش مجدد جسم برای پیوستن به روح در آخرت دارد.
۱۵. گزینه ۴ کافران گمان می‌کنند که جهان باطل آفریده شده است و یکی از مصادیق کفر، حکیمانه ندانستن و نیافتن نظام آفرینش است که این مفاهیم از دقت در آیه‌ی و ما خلقنا السماء و الأرض و ما بینهما باطلاً ذلک ظن الذین کفروا... " استنباط می‌گردد.
۱۶. گزینه ۱
- گزینه‌های " ۲ و " ۳ به ضرورت معاد بر اساس حکمت الهی اشاره دارند و گزینه‌ی " ۴ به ضرورت معاد بر اساس عدل الهی می‌پردازد، اما گزینه‌ی " ۱ فقط به امکان معاد جسمانی اشاره دارد.
۱۷. گزینه ۲ «فاولئک ماواهم جهنم» ← برزخ «ادخلوا الجنة بما کنتم تعلمون» ← برزخ «قالوا فیم کنتم» ← برزخ

۱۸. **گزینه ۲** طبق ترجمه آیه، آن‌ها همچنان به راه غلط خود ادامه می‌دهند تا زمانی که مرگ یکی از آنان فرا رسد، می‌گویند: «پروردگار من! مرا باز گردانید! شاید در آن‌چه ترک کردم و کوتاهی نمودم عمل صالحی انجام دهم!» ولی به او می‌گویند: «چنین نیست!» این سخنی است که او به زبان می‌گوید (و اگر باز گردد، کارش هم‌چون گذشته است) و پشت سر آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند. ضایع کردن عمر و فرصت، سبب حسرت در هنگام مرگ است.

۱۹. **گزینه ۴** در عالم برزخ گفت‌وگویی که بین خداوند و کافران روی می‌دهد، کافران از خداوند برای جبران اعمال ترک شده در دنیا تقاضای بازگشت به دنیا می‌کنند. اما خداوند با عبارت " کلاً " و قاطعیت تمام این تقاضا را بی‌مورد دانسته و رد می‌کند.

۲۰. **گزینه ۳** این سخن پیامبر(ص) مربوط به آثار ما تأخر اعمال است، یعنی اعمالی که انسان در زمان حیات خود انجام می‌دهد و آثاری دارد که برخی از این آثار بعد از حیات او هم باقی می‌ماند، یعنی با این‌که فرد از دنیا رفته، پرونده‌ی عملش هم چنان گشوده است و آثار عمل در آن ثبت می‌گردد. آیه ی اَنَا نَحْنُ نَحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَءِثَارَهُم مَّوَدَّ اَيْنَ اَمْرٍ اَسْت.